

### متن پرسش

سلام استاد بزرگوار: حضرتعالی بارها متذکر شده اید که کربلا صرفاً یک حادثه تاریخی نیست بلکه یک حقیقت قدسی و باطنی و ملکوتی است که همواره در طول تاریخ جلو آمده و در سال ۶۱ هجری به عنوان یک رخداد در شخصیت سیدالشهداء علیه السلام و یارانش ظهور کرد. و انبیاء و اولیای الهی با چشم ملکوتی و باطن بین به آن حقیقت نظر داشته و تماس گرفته اند و اشک ها ریخته اند. لذا اگر کسی می خواهد با کربلا و مقام حسینی تماس برقرار کند، باید به کمک تعلیم و تزکیه و تفکر تلاش کند تا حجاب ها و پرده‌ها از چهره اصلی آن حقیقت کنار برود و متوجه باطن و حقیقت آن رخداد بشود. حال پرسش این است که اولاً: چرا این رخداد عظیم در آخرالزمان و در امت آخرین پیامبر و در تاریخ آخرین انسان ظاهر شده است؟ و ثانیاً: این حقیقت بعد از اینکه ظاهر شد، چگونه ادامه می یابد؟ و اینکه پیغمبر اکرم فرمودند: «... و أنا من حسین» بدین معناست که اسلام فقط و فقط با روح کربلا ادامه پیدا می کند؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این معلوم است که کربلا به عنوان نهایی‌ترین حضور انسان باید در بستر نهایی‌ترین دین الهی به ظهور آید تا انسان آخرالزمانی با آن ظرفیت نهایی‌اش بتواند جواب جان خود را از آن حضور بیابد و این‌جا است که روشن می‌شود چرا حرکت قدسی حضرت سیدالشهدا «علیه‌السلام» در میدانی به ظهور می‌آید که آخرین رسول «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» آن را گشودند و در نسبت خود با حرکت امام حسین «علیه‌السلام» فرمودند: «حسین منی و أنا من حسین». به این فکر کنید که چه اندازه با نظر به حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» و یاران آن حضرت، بشر جدید می‌تواند خود را در نزد خود، به عالی‌ترین حضور ممکنه احساس کند. موفق باشید